

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

12 اپریل 2010

## یادداشت پورتال:

از جناب دیپلوم انجنیر شفیق روستائی بخاطر ترجمه مقاله از زبان انگریزی، عالمی سپاس داریم. بدین وسیله ورود جنابشان را در صف همکاران گرانقدر پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" از صمیم قلب خیر مقدم گفته و آرزومند تداوم همکاریهای ایشان میباشیم. موفق و سرفراز باشند.

با محبت فراوان  
اداره پورتال AA-AA

نویسنده : Larry Everest

مترجم: دیپلوم انجنیر شفیق روستائی

## تذکر:

این مقاله به زبان انگلیسی به تاریخ دوم اپریل 2010 در پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" تحت لینک زیر به نشر رسیده بود، که اینک ترجمه دری آن خدمت خوانندگان گرامی تقدیم می گردد.

<http://www.afgazad.com/Zabanhaye-Eropaei/040210-Larry-E-The-Gardez-Massacre.pdf>

## قتل عام امریکا در شهر گردیز

در شب 12 فیروزی سال 2010 به تعداد 25 نفر از دوستان و خویشاوندان حاجی شرف الدین در منزل او در قریه "قطبه"، جمع شده بودند. این قریه صرف چند مایل دور از شهر گردیز یعنی مرکز ولایت پکتیا در شرق افغانستان قرار دارد. این مهمانان در آنجا بخاطر محفل نامگذاری نواسه حاجی شرف الدین آمده بودند. قرار گزارش روزنامه "تایمز" انگلستان آنها همه در مهمانخانه نشسته بودند و مردها به نوبت در موسیقی هنرمندان محفل می رقصیدند. این محفل هنوز به پایان نرسیده بود و آفتاب هنوز طلوع نکرده بود که پنج افغان غیر نظامی توسط امریکائیا به قتل رسیده و تمام خویشاوندان خود را از دست دادند.

ساعت سه بجه شب بود که یکی از هنرمندان برای رفع قضای حاجت بیرون رفت. در حالیکه او کسی را دیده و چراغ روشنی چشم او را خیره ساخته بود، دوباره به عجله وارد خانه شده، فریاد بر آورد که طالبان در بیرون هستند. در این اثنا، در حالیکه اکثری مهمانان خوابیده بودند، محمد داوود، پسر شرف الدین که یک صاحب منصب پولیس می باشد با پسر پانزده ساله اش که اسم او صدیق الله است، به بیرون آمدند تا که ببینند که چه خبر است. پدر و پسر در اثنای گذر از حویلی، توسط یک مرد مسلح از روی بام تحت هدف قرار گرفتند. به قول روزنامه "تایمز" انگلستان، مؤرخ 13 مارچ 2010، داوود بلا فاصله جان داد، اما پسرش با وجود دو زخم زنده ماند. با حفظ اینکه عامل بعض مرگ ها ترور

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

است، ولی این هردو بر اثر آتش سلاح امریکاییها کشته شدند. یک نفر به داخل حویلی متوجه شد که تهاجم کنندگان طالبان نبوده، بلکه نیروهای عملیاتی مخصوص امریکایی و افغان اند که در جست و جوی طالبان میباشند. چون پسر دوم شرف الدین که خارانوال ظاهر نام دارد، زبان انگلیسی را میدانست، فوری خود را به دروازه رسانیده خطاب به امریکاییها فریاد کشید که: " فیر نکنید، ما با دولت همکار هستیم!" به قول مادر قوماندان داوود در اثنائی که خارانوال ظاهر چنین فریاد می کشید، امریکاییها بر او نیز آتش گشودند و من دیدم که او چطور به زمین افتاد. سه زن که در سر راه دروازه در پهلوی جسد ظاهر فریاد می زدند، همه توسط مرد مسلح که ظاهر را به گلوله بسته بود، نیز تحت فیر مسلسل گلوله قرار گرفتند. اولی بی بی شیرین نام داشت که 22 سال از عمرش گذشته و مادر چهار فرزند بود که سن همه آنها کمتر از پنج سال بود. دومی بی بی صالحه بود که 37 ساله و مادر 11 طفل بود. سومی گلالی نامیده می شد که 18 ساله بود. بی بی شیرین و بی بی صالحه هر دو حامله نیز بودند. این هر سه بر اثر فیر گلوله های همان عسکر امریکائی کشته شدند، که ظاهر را به قتل رسانیده بود. دو نفر از خانم ها بلافاصله جان دادند. خانم گلالی که نامزد بود، بر اثر زخمی که برداشته بود بعداً جان داد. سعید محمد مال، معاون رئیس پوهنتون گردیز و خسر آینده گلالی، چنین گفت: " ما همه آمادگیها را برای عروسی گلالی گرفته بودیم". تمام بازماندگان این شهداء در مصاحبه های خود با نیویارک تایمز متفقاً اظهار کردند که کسانی که این عملیات را تطبیق کردن، همه آنها امریکائی و بدون یونیفورم بودند.

### به ترس و وحشت انداختن بازماندگان این شهداء :

مسؤولین نظامی امریکائی که این جنایت را مرتکب شده اند، ادعاء می کنند که از حقوق و منافع مردم افغانستان در مقابل طالبان دفاع میکنند، گو اینکه این جنایت و ترور نباشد. آنها با این بیشرمی با مظاهرات بازماندگان این شهداء برخورد کرده، مسؤولیت این قتلها را بر عهده طالبان گذاشتند. و این در حالیست که بازماندگان این شهداء مکرراً توضیح نمودند که قاتلان طالب نبودند و ادعاء مسؤولین نظامی امریکائی را بی اساس دانستند. طبق گزارش منتشر نشده ملل متحد توسط "تایمز" انگلستان، اضلاع متحده امریکا و دولت افغانستان، ظلم، فشار و رفتار غیر انسانی را بر مردم تحمیل میکنند. در هر حال مهمانها و خویشاوندان مقتولان و مجروحان که در مقر قوای امریکا و افغان دست به مظاهرات زده و از طرف آنها تحت تجاوز قرار گرفته بودند، ساعات متوالی را با پاهای برهنه در هوای سرد در خارج از منزل سپری نمودند. یکی از مهمانان که یک مرد 22 ساله و رانند آمبولانس بود گفت: " افرادی از نیروهای مذکور از موهای من گرفته و مرا در صحن حویلی کش می کردند. افرادی از نیروهای افغانی میگفتند که دست هایت را بلند کن! من باستادم و نمیدانستم که در پشت من که بود؟ من از عقب لگدی خورده و به زمین افتادم". نظر به گزارش ملل متحد از زبان بازماندگان شهداء "نیروهای امریکائی و افغان هر نوع کمک های لازم طبی در زمان معین را رد نمودند که در نتیجه زخمی شدگان یعنی داوود و خواهرزاده اش گلالی، بعد از گذشت چند ساعت فوت نمودند. به قول ایشان اگر آن دو به شفاخانه انتقال می یافتند، زنده میماندند. به تعقیب این جنایت هشت نفر از بازماندگان دستگیر و به پایگاه نظامی امریکا انتقال داده شدند. اما بعد از چهار روز استنطاق و تحقیق که کدام جرمی علیه آنها به اثبات نرسید، همه آنها را گردیدند.

### قاتلان، دروغبافی های شان و کتمان حقایق توسط آنها :

بارک اوباما و اردوی اضلاع متحده امریکا ادعاء دارند که آنها ستراتژی جدید را در افغانستان بکار گرفته اند. ستراتژی که به مردم افغانستان کمک و همکاری نموده، پیروزی و کامیابی به آنها به ارمغان آورده و با تغییر تاکتیک نظامی از کشته شدن مردم غیر نظامی جلو گیری می نمایند. اگر این ادعاء حقیقت میداشت، اردوی اضلاع متحده امریکا از حادثه گردیز باید به وحشت می آمد و فوری مسؤولیت گرفته، تحقیقات کامل را در باره آن انجام میداد. نه خیر! چنین نشد، زیرا در این رابطه هیچ کاری صورت نگرفت. در عوض، ناتو حتی الوسع کوشید که این قتل عام را پنهان نماید. به تاریخ 12 فبروری ناتو بیانیه ای صادر کرد مبنی بر اینکه " قوای ناتو و افغان در عملیات مشترک در گردیز از روی حادثه وحشتناکی پرده برداشتند." و آن اینکه شب گذشته در جریان یک عملیات مشترک قوای بین المللی و افغان در یکی از نواحی شهر گردیز، مرکز ولایت پکتیا، به سه خانم سر خوردند که دست و پاهای آنها با هم بسته شده بود. برای نیروهای ما راپوری مواصلت کرده بود مبنی بر این که دشمنان درین محل در فعالیت هستند. آنگاه یک گروه مشترک از قوت های بین المللی و افغان در یک خانه نزدیک قریه قطبه هجوم بردند. چندین نفر در این عملیات مقاومت نشان داده و کشته شدند. در نتیجه تعداد زیادی اعم از مردان، زنان و اطفال از محوطه بیرون آمده و زیر نظارت قوای مشترک قرار گرفتند. هنگامی که نیروهای مشترک داخل محوطه شده و همه جا را تلاشی نمودند، آنها به جسد سه خانم مرده سر خوردند که دست، پا و دهن همه آنها بسته شده بود و کشته شده بودند. اجساد ایشان در یک اتاق همجوار جابجا شده بود. نیروهای مشترک فوری منطقه را تحت کنترول در آورده، کمک های طبی را تقاضاء نموده و تحقیقات عدلی را روی دست گرفتند. برای تحقیقات بیشتر هشت مرد احضار شدند."

چنانکه حقایق نشان دادند، تمامی نقاط این بیانیه دروغ بود. در آنجا هیچ تیر اندازی دو جانبه بو قوع نیپوسته بود. قربانیان این حادثه حتی یک سنگ هم پرتاب نکرده بودند. هیچ یک از خانم ها دست، پا و یا دهن شان بسته نشده که بر اثر آن کشته شده باشند. بلکه این نیروهای امریکائی بودند که از فراهم آوردن هر نوع کمک طبی برای نجات زخمیها

اجتناب کرده بودند. هیچ نوع تحقیقات در این ارتباط صورت نگرفته بود. واقعیتها در باره "کشتار امریکا در گردیز" به خاطر آن آشکار شد که مردم و اهالی شهر گردیز سکوت نکرده آواز خود را بلند کردند. چنانکه روزنامه "تایمز" انگلستان، یکی از نامدارترین اخبار بین المللی، داستان ایشان را ضمن مقاله ای انتشار داد که عنوان آن چنین بود. "اعتراضات، شهر گردیز، مرکز ولایت پکتیا را در سکوت مطلق قرار داد". هنوز هم بعد از انتشار حقایق توسط "تایمز" انگلستان مقامات رسمی اضلاع متحده امریکا و ناتو به دروغهای خود ادامه داده و می خواهند هر زبانی را که در ارتباط قتل عام گردیز حرفی بزند، قطع کنند. ادمیرال Greg Smith نطق ناتو در کابل به روزنامه "تایمز" انگلستان گفت که این کتمان حقایق نبوده بلکه افراد کشته شده در گردیز افراد مسلحی بودند که به دنبال تطبیق اهداف دشمنانه ای آمده بودند. بیانیه مؤرخ 12 فیبروری ناتو در این رابطه به صورت سطحی تماس گرفته بود. طبق اظهارات آنانیکه اجساد را دیده بودند، زنانی که در آنجا اجساد شان پیدا شده بود، قبلاً به قتل رسیده بودند. سخنگویان ناتو به تاریخ 14 مارچ ادعاء کردند که گویا این قتلها، قتلهای ناموسی بودند.

### قتل مردم ملکی یا ممیزه اصلی جنگ و اشغال افغانستان توسط امریکائی ها :

جنرال "McChrystal Stanley" قوماندان عمومی قوای اضلاع متحده امریکا در افغانستان، اخیراً مضحکه جالبی را به نمایش گذاشت. او گفت که از مردم باید معذرت خواسته شود و وعده داد که در آینده از کشته شدن افراد ملکی در عملیات نظامی جلوگیری می نماید. او افزود که قوای نظامی در حال حاضر کنترل شدید تر را در رابطه به حملات شبانه، نیروهای عملیات مخصوص و پیمانکاران نظامی خصوصی اتخاذ مینماید. لاکن تهاجمات شبانه، عملیات مخصوص، ترورهای مخفیانه، کشتار با دلایل مشخص، حملات طیارات بدون پیلوت، بکارگیری و گماشتن شرکتیهای نظامی، زندانهای بی سر و پا با مجازات و شکنجه، همه اینها در پهلوی ترس و وحشت افکنی خصائل اند که از سرشت نظام سرمایه داری سرچشمه میگیرند. هدف اساسی اشغال افغانستان در جای دیگری نهفته است. به هر تحلیلی که باشد، واقعیت این است که اکثریت مردم افغانستان نمیخواهند تحت سلطه بیگانه باشند و طوری که تجارب هشت سال جنگ و اشغال به ایشان نشان داد که مردم افغانستان به امریکا و نوکرانش که در کابل بر مسند قدرت نشسته اند، هیچ نوع اعتمادی ندارند. هدف اساسی در جای دیگر نیست و آن عبارت است از رسیدن به اهداف شوم امپریالیستی در افغانستان و منطقه و نه آزادی برای مردم این کشور. تحت رهبری اوپاما در کشورهای افغانستان و پاکستان خشونت، تعداد عساکر و تعداد شرکتیهای نظامی افزایش یافته است. پنتاگون تلاش دارد که از اهمیت این روند ضد امریکائی بکاهد و آنرا به جهان بی اهمیت جلوه دهد. قتل عام گردیز و عدم مسؤولیت پذیری اضلاع متحده امریکا وحشت نظامیان این کشور را نشان می دهد. وحشتی که آگاهانه در ورای ساختارهای قدرت در امریکا از رئیس جمهور گرفته تا وزارت دفاع و مدیا پنهان گردیده است. لطفاً توجه نمائید که افرادی که خانواده شرف الدین را در نزدیکی شهر گردیز به قتل رسانیدند، در میدان هوایی بگرام مستقر می باشند. و این محل دارای زندان بزرگ، شکنجه گاه مخوف و عذاب گاه جانگداز است. عملیات این افراد در 21 جنوری زمانی تطبیق شد که قیود شبگردی که خود آنها وضع کرده اند، تطبیق می شد. واشنگتن پست به تاریخ 18 مارچ 2010 در این خصوص تحت عنوان "در صورتیکه افراد سی آی ای هنوز هم کافی نباشد" نوشت که "شرکت ها نظامی شخصی" که مردم را در عملیات نظامی بخاطر کشتن هدف قرار داده اند، باید در قضیه قتل عام گردیز جواب گویند. کشتار مردم ملکی در شهر گردیز و عکس العمل امریکا در قبال آن یک بار دگر پرده از روی جنایات امریکا برداشت. این جنایات است که قصداً دولت امریکا، از رئیس جمهور گرفته الی پنتاگون و اطلاعات جمعی از انتشار آن خود داری مینمودند.

حتی ناتو کوشید که حادثه گردیز را پنهان نگهداشته و نشان بدهد که قوتیهای امریکائی به طور نورمال و عادی چگونه عملیات مینمایند. سخنگوی ناتو در ارتباط فعالیتهای امریکا چنین گفت : " قربانیان این حادثه هدف اصلی عملیات مشخص ما در گردیز نبودند". اما با آنهم این سخنگو قاتلان شهدای گردیز را با این گفته خود تبرئه کرد، چنانکه گفت : "من نمیدانم که آیا آنها به اطراف خویش انداخت کردند... اگر شما فردی را ببینید که از محوطه ای بیرون می آید و عساکر شما هم دست به ماشه اند، آیا در این صورت عساکر ما باید فیر نکنند تا که آن فرد را از پا در اندازند، قبل از آنکه خود شان از پا در آیند؟ بر شما حتی در صورتی انداخت می گردد، حتی اگر شما فیر هم نکرده باشید". به این ادعاء عمیق شوید. چیزی که گفته شد در آخرین تحلیل به این معناست که این جریان عادی عملیات میباشد که هر فرد افغان را باید کشت، هر فردی که به ظواهر دشمن جلوه نموده و مورد سوء ظن قرار گرفته باشد. و یا اینکه عدم همکاری اعلام کند، بدون آنکه هدف درست باشد یا نه. حتی اگر آنها در منزل خویش پا به بیرون نهاده تا مطلع شوند که در بیرون حویلی چه گپ است و که آنها را به خطر مواجه ساخته است. در هر صورت این ها باید کشته شوند.

به این ادعاء دقت کنید که به قول "تایمز" انگلستان، نماینده امریکا در کابل از معرفی افراد ذیدخل در قتل عام گردیز "بخاطر حفظ منافع امنیت ملی و ستراتیژیک امریکا" خود داری نمود. چرا ناتو برای "محافظة منافع امنیت ملی و ستراتیژیک" خود از افشای این عملیات چشم پوشید؟ بخاطری که این نوع عملیات بخش اساسی سیاست اشغالی امریکا و ناتو را تشکیل میدهد. به قول "تایمز" انگلستان : "واقعیت امر از این قرار است که امریکا به مشکلات و محدودیتهائی مواجه گردیده چنانکه "پنتاگون" راهی را میجوید تا از این نوع محدودیتهای رهایی یابد. ملل متحد از امریکا انتقاد کرده

که سازمانهای اطلاعاتی امریکا ملیشاهای نظامی و شرکتهای شخصی را به کار انداخته تا که عملیاتهای مخفیانه قتل و قتل را اجرا نمایند. اگر قوتهای نظامی توسط سی آی ای و یا سازمان اطلاعات دولتی افغانستان رهبری می شدند طبق ستراتیژی جدید ناتو مبنی بر قیود محدود شبگردی چنین اتفاقاتی مثل حادثه 23 جنوری 2010 شاید کمتر اتفاق می افتاد". سر انجام مطبوعات امریکا که به عنوان پیشقراول جنگ عمل می کند، قضیه را کتمان کرد تا اینکه روزنامه "تایمز" انگلستان حادثه کشتار گردیز را از پرده برون انداخت. با آنهم واشنگتن پوست اصلاً در این مورد گزارشی نشر نکرد و نیو یارک تایمز تا 16 مارچ یعنی تا زمانی راجع به این قضیه ننوشت که قتل عام گردیز در محراق توجه مطبوعات قرار گرفت. آنگاه در متن یک مقاله بزرگ تحت عنوان "اضلاع متحده امریکا قوتهای خاص خود را در افغانستان قیزه می کند" صرف چند سطر محدود در خصوص حادثه گردیز نوشت.

مطابق به اظهارات "تایمز" انگلستان "یک مأمور امریکائی در کابل از معرفی افراد زیدخل در قتل عام گردیز "بخاطر حفظ منافع علیای امنیت ملی و ستراتیژیک امریکا" خود داری نمود. چرا ناتو برای "محافظت منافع امنیت ملی و ستراتیژیک" خود از افشای این عملیات چشم پوشید؟ آخر چرا بخاطر گویا "حفظ منافع علیای امنیت ملی و ستراتیژیک" روی عملیات کشتار گردیز پرده انداخته شود؟ بخاطر اینکه این نوع عملیات هسته اساسی داخلی ستراتیژی ناتو و امریکا را می سازد.

**اینها یعنی قوت های امریکا و ناتو اینجا نیامده اند که به تروریزم پایان بخشند، بلکه خود شان تروریست هستند :** کشتار گردیز توسط نظامیان امریکا تصویری از خشنترین خصلت ارتجاعی سیاست اشغالی امریکا را به نمایش گذاشت. امریکا به خانواده شهداء برای هر قربانی مبلغ دو هزار دالر خون بها پیشنهاد کرد.

سید محمد مال معاون ریاست پوهنتون گردیز که منصور پسر او نامزد گلالی شهید بود، گفت : "در گذشته، وقتی که این نوع عملیات ها را می شنیدم، موسپیدان ما می گفتند که عساکر خارجی آمده اند که افغانستان را اشغال کنند. من میگفتم که نه خیر! آنها آمده اند تا ما را کمک کنند. لکن حالا که من شاهد جنایت آنها در فامیل خود هستم، درک کردم که من به خطا رفته بودم. حالا من به همه اظهارات مردم در این خصوص باور و از قوتهای اجنبی نفرت دارم."

پسر قوماندان داوود چنین گفت : " پدرم با امریکائیها دوست بود، لکن امریکائیها او را کشتند. آنها پدرم را به قتل رسانیدند. من از آنها انتقام خواهم گرفت. من می خواهم که قاتلان پدرم به میز محاکمه کشانیده شوند."

محمد ظاهر پدر گلالی شهید چنین اظهار داشت : "خارجی ها همیشه از حقوق بشر گپ میزنند، اما در عمل هیچ اعتنائی به حقوق بشر ندارند. آنها به ما حقوق بشر را درس میدهند و خود هزاران مردم ملکی را به قتل میرسانند. قوای امریکا و ناتو اینجا نیامده اند که به تروریسم خاتمه بخشند، بلکه آنها خود تروریست هستند."

اگر شما فریاد برآورید که اینجا جنگی در جریان نیست و اگر بگوئید که " برای اواما چانسی بدهید" و یا بگوئید که "او آخرین تلاش خود را می کند که به جنگ پایان دهد." و یا اگر شما نخواهید که فعالانه بر ضد این جنگ اعتراض کنید، در این صورت شما با واقعیت تلخی مواجه هستید. در این اوضاع و احوال شما باید برای مردم افغانستان بگوئید که قتل مردم ملکی، مانند کشتار مردم در گردیز، شما را به قدر کافی اذیت نمی کند که در مقابل آن کاری انجام دهید. و بد تر از آن اینست که بگوئید که آنچه بر مردم افغانستان می گذرد، من آنرا می پذیرم.